

## بررسی فقهی حکمیت و داوری در حل تعارض بین زوجین بر اساس آیه ۳۵ سوره نساء

- سید منذر حکیم \*
- ذبیح الله فاضل نوری \*
- سید محمود مرتضوی هشرودی \*

### چکیده

خانواده از مهمترین ارکان جامعه موفق می باشد و توجه نکردن به ثبات این رکن مهم باعث تزلزل جامعه می شود و از طرفی اختلاف سلايق موجود در بین انسان ها وجود دارد و عدم مدیریت صحیح این اختلافات باعث نزاع و درگیری می شود. زن و شوهر هم از این اختلافات مستثنی نیستند ولی اهمیت ثبات در خانواده و از طرفی حفظ حرمت و حفظ اسرار باعث می شود که حل اختلافات خانوادگی در دادگاه ها سخت باشد؛ حکمیت که خداوند در آیه ۳۵ سوره نسا به آن تاکید نموده و هم پیشوایان دینی به آن توجه داشته اند مورد توجه قرار گیرد، هزینه پایین و زمان کم برای حل مسأله در این روش باعث شده که خیلی از حقوق دانان این روش را مورد توجه قرار دهند و از این روش برای حل مسأله در غیر نزاع های خانوادگی هم استفاده کنند. این داوری خارج از محاکم قضایی اتفاق می افتد و در میزان اختیارات دو نفره داور بین فقها اختلاف است بعضی از فقها داوران را وکیل نامیده اند و بعضی قاضی تحکیم برخی دیگر از فقها معتقدند که داوران اجازه جدایی بین زن و شوهر را ندارند و برخی نیز با شرایطی آن را جزء اختیارات داوران حکمیت می دانند.

واژه های کلیدی: حکمیت، داوری، قاضی تحکیم، تعارض، شقاق،

---

\* استاد سطح عالی حوزه علمیه قم

\* دانشجوی دکتری فقه و حقوق خانواده جامعه المصطفی العالمیه، zabihallah.noor@gmail.com

\* استاد سطح عالی حوزه علمیه قم، mortazavi55870@gmail.com (نویسنده مسئول)

## اشاره

خانواده کوچکترین واحد اجتماعی است که انسان با عادات و رسوم اخلاقی اجتماعی و قوانین الهی خاص از این پناهگاه محافظت می‌کند شارع حکیم نیز در مورد این نهاد مقدس نظر ویژه‌ای دارد او می‌خواهد با وضع تکالیف خاص و تعیین میزان مسئولیت هر یک از اعضا بقاء و دوام یابد، و لذا جهت ایجاد هماهنگی مسئولیت اداره خانواده را بر عهده مرد گذاشته تا چون محور در گردش آسیاب زندگی باشد، مرد است که با انتخاب عاقلانه خویش قدم اول را در راه ایجاد بنا و استحکام بنیان خانواده بر می‌دارد و قوه عاقله خویش را در راه تدبیر مناسب برای اداره زندگی به کار می‌گیرد؛ او احساس می‌کند که باید پدری کند بلکه وظیفه خود می‌داند که کشتی زندگی را رهبری کند و به سوی ساحل نجات هدایت نماید طبیعی است که رفتاری‌ها و ناملايمات چون بادی که گاه می‌وزد و طبیعت خرم زندگی نیز از آن در امان نماند و درختان ضعیف مشمول تکان‌های سخت گردند اما شارع مقدس راه مقابله با ناملايمات و سختی‌ها و جلوگیری از پیش آمدن طوفان‌های سخت را به انسان نشان داده؛ خداوند در آیاتی از قرآن با تعیین جایگاه واقعی مردان و زنان راه‌های جلوگیری از رفتاری را مشخص کرده امور سخت خارج از خانه تأمین هزینه تدبیر امور زندگی را به مردان محول کرده و به آن آموخته است که تسلط بر زنان به معنای اعمال قدرت و خشونت نیست بلکه باید با زنان معاشرت نیک داشته و با خوش اخلاقی و محبت رفتار کند و در نتیجه چنین رفتاری خداوند وحدت و رحمت خویش را متوجه آن خانواده می‌کند. گاه بی توجهی نسبت به فرامین الهی باعث رفتاری در خانواده میشود آنجا که اختلافات زوجین تبعات بدی در جامعه به جا می‌گذارد و اگر منجر به طلاق شود مشکلات زیادی گریبانگیر فرزندان خود زوجین و خانواده‌های آنان می‌گردد، خداوند رحمان در آیاتی از قرآن راه‌های مقابله با این موارد را یادآوری نموده و روش برخورد با نشوز مرد را در آیه شریفه ۱۲۸ سوره نسا بیان کرده «وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ ۗ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ

بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا». و در آیه ۳۴ سوره نسا از روش‌های مقابله با نفوذ و عدم اطاعت زنان به تفصیل سخن گفته. با تمام رهنمودها و توصیه‌ها اگر زمینه‌های جدایی و طلاق پیش آید در آیه ۳۵ سوره نسا چگونگی رویایی با آن را آموخته از آنجا که آشنایی دقیق و درست با این آیات می‌تواند به دوام و بقای خانواده‌ها کمک کند و از مراجعات غیرضروری به دادگاه‌ها بکاهد و حرمت و صیانت خانواده بیشتر حفظ شود بر آن شدم که موضوع حکمیت در اختلافات زوجین را از میان موضوعات بسیار زیادی که پیش رو بود انتخاب کنم.

اگرچه طلاق در شریعت اسلام امری بسیار منفور است اما گاهی مواقع امری اجتناب ناپذیر است و در عین حال نباید به عنوان اولین راه حل برای حل اختلافات مورد استفاده قرار گیرد و از آن جایی که هیچ کار مهم و بزرگی بدون مقدمه انجام می‌گیرد یکی از این امور نیز طلاق است که قبل از شکل گرفتن این حال منفور باید تا حد امکان جلوی آن را گرفته و نگذاریم به راحتی رخ دهد از جمله این مقدمات امر داوری است که از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار است و آیه ۳۵ سوره نسا به صراحت به این موضوع اشاره کرده در این مقاله سعی شده تا به اهمیت این مطلب بیش از پیش اشاره کرده تا جامعه را بر آن داشت تا به داوری تنها به دیده‌ی سفارش الهی نگاه نکند و آن را کاربردی تر کنند تا بتوان روزبه‌روز از آمار طلاق در جامعه کاست.

در این نوشتار سعی شده از روش مطالعه تحلیلی و توصیفی استفاده شود و سعی شده که از تفاسیر شیعه و کتب فقهی و حدیثی معتبر و همچنین کتب حقوقی استفاده شود.

## خانواده

زندگی انسان سرشار از نظام‌های مختلف اجتماعی می‌باشد که به کمک این نظام‌ها سختی‌ها و کاستی‌های انسان رفع می‌گردد نظام‌های پیرامون انسان بسته به کارایی آنان کوچک یا بزرگ هستند از جمله نظام‌ها یا دستگاه‌هایی که انسان ناگزیر است با آن تعامل داشته باشد نظام خانواده است در علوم اجتماعی خانواده کوچکترین واحد اجتماعی است در واقع خانواده تعدادی از افراد را تحت نظام خاصی در خود جای داده و شکل و نوع آن در جوامع مختلف متفاوت است خانواده با هر شکل و نوعی که باشد و در هر جامعه بزرگ و کوچک که تشکیل

گردد پناهگاه اجتماعی انسان محسوب می‌شود و عادات و رسوم اجتماعی و اخلاقی خاص محافظ این مکان مقدس است، با اینکه علمای علوم اجتماعی خانواده را تعریف کردند اما در قانون مدنی ایران تعریف نشده ولی با توجه به مقررات مختلف وضع شده برای آن معنای می‌توان خانواده را چنین تعریف کرد: «خانواده به معنای عام یا گسترده عبارت است از گروهی که شخص و خویشاوندان نسبی و همسر را شامل می‌شود و گاه در معنای گسترده خویشاوندان نسبی یعنی آن که از طریق نکاح با شخص رابطه خویشاوندی پیدا می‌کنند نیز در آن وارد می‌شوند.»

در اهمیت خانواده باید به این نکته اشاره کرد که هیچ کدام از انبیا و اولیا به احکام الهی در زمینه تشکیل خانواده و قوانینی که شارع مقدس بیان نموده بی توجه نبوده، بلکه احترام خاصی داشتند؛ چنانکه همه انبیا و رسولان جز حضرت یحیی و عیسی علیهما السلام ازدواج کردند. در دین اسلام و بقیه ادیان الهی رهبانیت در هیچ دین آسمانی مشروع نبوده و بنا بر آیه ۲۷ سوره حدید «وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا» آن را نصارا ابداع کردند. همچنین قرآن کریم هدف از ازدواج را آرامش مودت و رحمت می‌داند آنجا که می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»

### عوامل مؤثر استحکام خانواده

خانواده جایگاه محبت و همدلی می‌باشد، این زن و شوهر هستند که با همکاری هم سختی‌های زندگی را تحمل نموده و زمینه‌های کمال را در زندگی دنیوی و اخروی فراهم می‌آورند از دیدگاه خداوند زن و مرد در ثواب اعمال برابرند و در رسیدن به کمال مطلوب که زمینه‌های آن در این زندگی فراهم می‌شود یکسان هستند؛ «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا» (نسا ۱۲۴)، «فَأَسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ ۖ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ ۖ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ» (آل عمران ۱۹۵)

دین اسلام دست رد به سینه اعتقادات خرافی جاهلی زده و زن را شخصیتی در خور شأن داده به مردان توصیه کرده که از برخورد و معاشرت بد با زنان پرهیز کنند و به نیکی به آن رفتار نمایند. « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا ۖ وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذَهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ ۚ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۚ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا ۙ » (نساء ۱۹)

پیامبر مهربانی کاملترین ایمان را برای مومنانی می داند که اخلاق نیکو و برخورد نرم با خانواده داشته باشند آنجا که می فرماید: « إِنَّ أَكْمَلَ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَ خَيْرُهُمْ خِيَارُكُمْ لِنِسَائِهِ. » (الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۵۷)

## توجه الهی به الفت

مشیت الهی آن است که میان اعضای خانواده و جامعه الفت باشد این مشیت الهی به برکت اسلام بین کینه ورزترین دشمنان نیز محقق شد چنانکه اوس و خزرج از پس از جنگ های طولانی آن چنان الفتی بین شان برقرار گردید که اگر تمام دنیا هزینه می شد به آن دست نمی یافتند. « وَ أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ » (انفال ۶۳)

مال و اشیاء نمی تواند به اعماق روح نفوذ کند مگر آن که از درون احساسات و عواطف را تحریک کند در این صورت مالی به معنای متحول می شود که در انفاق و بخشش به نمایش درمی آید و عنصر مادی و معنوی متعلق می گردد ولی مالی که صرفاً جنبه مادی داشته باشد گاه شرایط پیشرفت را برای صاحبش فراهم می کند اما نمی توان از زندگی روحانی بهبود ببخشد لذا مال و ثروت نمی تواند رابطه دوستانه بین اقوام و فقرا ایجاد کند حال آنکه فکر و ایمان قلب ها را یکی می کند وقتی خدا بخوهد و مودت و رحمت بر پایه ایمان برخاست از محبت و زندگی ایجاد می کند و مجموعه هایی را که به طور طبیعی از هم متنفر است بر اساس ایمان وحدت معنوی می بخشد. « مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ۚ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا ۖ سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ۚ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي

التَّوْرَةَ ۚ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ ۗ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (فتح ۲۹)

دین اسلام دین آلفت و وحدت است آلفت در سایه صلح و آشتی شکل می گیرد و خداوند رحمان در آیات متعدد از دشمنی منع کرده و به صلح و سازش دعوت نموده است. « وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ » (انفال ۴۶)

دوری کردن از جدال و تفرقه ریسمان و دستگیره محکم خداوند است که مومنان باید به آن تمسک جویند و نعمت های الهی را از جمله آن دوستی بین قلبهای متنافر است همواره و تذکر باشند چرا که خداوند می فرماید. « وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۗ وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا ۗ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ » (آل عمران ۱۰۳)

خدای رحمان از مومنین در سوره بقره آیه ۲۰۸ می خواهد که پیوسته در دایره اسلام باشند و از اسلام و کسانی که از اسلام فاصله میگیرند در حقیقت دنبال روهای شیطان هستند برخی در تفسیر سلم آورده اند که به معنای صلح و سازش است، (تفسیر قرطبی ج ۲، ص ۲۳)

می توان از مفهوم آیه چنین استفاده کرد که صلح و سازش تنها در کنار ایمان امکان پذیر است و هرگز جنگ و ناامنی و اضطراب تنها با اتکا به قوانین مادی از دنیا برچیده نخواهد شد زیرا عالم ماده و علاقه به آن همواره سرچشمه کشمکش ها و تضادهاست و نیروی معنوی ایمان آدمی را کنترل کند صلح غیر ممکن است « می توان گفت از دعوت عمومی این آیه که همه مومنان را بدون استثنا از هر زبان و نژاد و منطقه جغرافیایی و قشر اجتماعی به صلح و صفا دعوت می کند استفاده می شود که در پرتو ایمان به خدا تشکیل حکومت واحد جهانی که صلح در سرتاسر آن آشکار باشد امکان پذیر است » (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲ ص ۸۱)

امیرالمومنین علی علیه السلام شایسته ترین مردم را کسی می داند که برای صلح میان مردم تلاش کند. (احسان بخش صادق آثار و صادقین جلد ۱۱ صفحه ۵۳)، پیامبر اسلام صلح میان مردم را صدقه می دانند که محبوب خدا و رسول است آنجا که به ابو عیوب می فرماید. (تفسیر قرطبی جلد ۳ صفحه ۳۲۸)

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات ۱۰)

## اهمیت صلح در خانواده

خداوند در مورد خانواده و روابط زن و شوهر با علم کامل و آگاهی دقیق سخن گفته و قوانین تشریح شده الهی نیز برخاسته از علم الهی با نگرش به تمام جوانب و با آگاهی کامل بر جزئیات و خواسته های درونی انسان است خداوند حکیم نیک می داند که در مواردی زوج های جوان سلیقه های متفاوتی دارد و بی نشان اختلاف ایجاد می شود لذا ضمن آنکه در آیاتی به صورت آن باشی و سازش توصیه می نماید (بقره ۲۰۸، انفال ۶۸) راه حل اختلاف و روی آوردن به صلح و سازش را توصیه می کند در آیات متعددی به تعلق و خردمندی توصیه می فرماید در موارد زیادی به آنان که تعلق و تدبیر پیشه نساختن به لفظ اکثرهم لا یعقلون (مائده ۱۰۳، یوسف ۱۲، زخرف ۷۸) و اکثرهم لا یعلمون (رمز ۲۹، دخان ۳۹) هشدار می دهد

آنچه حکومت ها نیز ترجیح می دهند این است که در این واحد اجتماعی کوچک به نام خانواده اختلافی نباشد و برای حل و فصل دعاوی قانون وضع می کنند اما اجرای قوانین در این واحد اجتماعی به زوجین بستگی دارد و پیش از آن که قوانین حقوقی در خانواده جاری باشد شریعت الهی و توصیه های اخلاقی در خانواده حکومت میکند و این همان چیزی است که در اصل دهم قانون اساسی به آن اشاره شده « پاسداری از قداست و استواری روابط خانوادگی را بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی می داند».

با این وصف در برخورد با ناملایمات زندگی خانوادگی حق آن است که این موجود عاقل جزو آنان می باشد که تذکرات الهی در وجودش تاثیر گذاشته و عقل و منطق را بکارگیرد، و قبل از آن که راه قوانین حقوقی را جستجو کند در پی عمل به توصیه های اخلاقی برآید و دست از ریسمان الهی جدا نکند و به دنبال توفیق الهی آن چنان که خداوند وعده فرموده باشد چنان که خدای متعال می فرماید: « وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا» (نسا ۳۵) اگر زوجین قصد اصلاح داشته باشند و به اختلافات دامن نزنند توفیق الهی نیز شامل حالشان می شود و اگر در پی دامن

زدن به اختلافات باشند و به دنبال بدترین حلال خدا طلاق است باشند، قضاوت با خودشان است خدای متعال جهت استحکام خانواده در آیاتی از قرآن کریم راه و روش هایی را به مسلمانان آموخته که در یک کلام می توان به واگذاری موضوع اختلاف به داوران منتخب اشاره کرد تا آن کار قضایی انجام دهند و با نیت خیر مشکلات را رفع نمایند موضوع حکمیت و داوری و ارتباط آن با مباحث غذایی و میزان اختیارات حکمی و تنفیذ و اجرای حکم آن بحث های گسترده ای دارد که در مباحث پیشرو به آن اشاره می شود.

آنچه در جامعه بشری امروز به صورت سازمان و تشکیلات اداری تحت عنوان دادگاه و محکمه برای رفع اختلافات به وجود آمده یقین در گذشته های دور با این پیچیدگی و گستردگی وجود نداشته و از سوی دیگر عدم وجود چنین تشکیلاتی در زمان های قدیم نه تنها به معنای نبودن اختلافات نمی باشد بلکه در برخی جوامع چون شبه جزیره عربستان اختلافات و جنگ های طولانی مدت بر کسی پوشیده نیست.

حکمیت در میان قبایل عرب پیش از اسلام در اختلافات بزرگ و جنگ ها به چه اموری چون مسابقات شعری از جوانی و مواردی که احتمال می دادند اختلافی شاید وجود داشته است چرا که دو شاعر معروف امرء القیس و لقمه در محفلی که در خانه امرء القیس تشکیل شده بود هر کدام ادعای برتری شعری کردند و تفاهم و توافق نمودند که در توصیف است و هر کدام قصیده ای به فرآیند و همسر امرء القیس به عنوان داور شاعر برتر را معرفی نماید همسر به برتری شعری القبه رای داد و منجر به طلاق وی شد (البستانی، فؤاد افرام، المجانی الحدیثه، الجزء الاول، ص ۳۹) از داوری های مشهور تاریخ صدر اسلام میتوان به داوری جنگ صفین اشاره نمود (شهیدی، سید جعفر، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، ص ۱۴۳)

در دوره معاصر با توجه به گستردگی جامعه های بشری، پیچیدگی انسان، داوری از اهمیت فوق العاده ای برخوردار شده و هر روز به شکل تکامل یافته ای در حال رشد است سختی های کار اداری قوانین حقوقی گوناگون و گسترده و هزینه های غذایی باعث شده در بسیاری از کشورها خصوصاً کشورهای غربی به داوری نگاه ویژه ای داشته باشند آن بسیار به این موضوع اهمیت داده و در قوانین موجود برای آن جایگاه خاصی قائل شده اند به طوری که در هلند مسئله ای که نتوان



آن را به داوری ارجاع نمود امری است استثنایی (کلانتریان، مرتضی، داوری، ص ۲) در انگلستان هم بین دادگاه و داوری رابطه نزدیک و منحصر به فردی وجود دارد که نظیرش در کشورهای دیگر یافت نمی شود (کلانتریان، مرتضی، داوری، ص ۱۲۲)

## حکمیت در خانواده

از جمله مباحثی که در خانواده به آن اشاره شده است نقطه مقابل عقد ازدواج یعنی طلاق از هم گسستن این عقد است در مورد طلاق رسول اکرم فرمودند: «أبغض الحلال عند الله الطلاق» (نهج الفصاحه، ص ۱۵۷) طلاق را به عنوان یک ضروری باید پذیرفت به تعبیر دیگر باید طلاق را به عنوان آخرین علاج قبول کرد زیرا گسستن پیوند زناشویی در پاره‌ای از موارد بهتر از یک عمر رنج و اختلاف و کشمکش است ادامه زندگی زناشویی گاهی ممکن است از نظر زن و شوهر فرزندان و جامعه زیان آور باشد در این گونه موارد طلاق را به عنوان استثنا می توان پذیرفت برای جلوگیری از تزلزل و پریشانی خانواده باید طلاق را محدود کرد؛ این نکته مورد توجه همه مصلحان اجتماعی و اکثریت قریب به اتفاق قانونگذارانی است که طلاق را پذیرفته‌اند (صفایی، حسین و امامی، اسدالله، حقوق خانواده، ج ۱ ص ۲۲۶)

حکمیت و داوری با رسیدگی قضایی و دادرسی متفاوت است در داوری افراد اجازه دارند که در دعوی مربوط به حقوق خود از مداخله مراجع رسمی انصراف حاصل نمایند و خود را تحت حکومت افراد غیر رسمی قرار دهند (مدنی، جلال الدین، آئین دادرسی مدنی، ج ۲، ص ۶۶۸)

داور و حکم به وسیله اصحاب دعوا انتخاب می شود و به تعبیر دیگر داوران اصولاً قضات منتخب اصحاب دعوا هستند در حالی که در رسیدگی قضایی قضات از جانب مقامات بالا منصوب می گردند و مکلف به رعایت تشریفات قانونی هستند ولی داوران چنین تکلیفی ندارند.

بحث داوری یا حکمیت در آیه شریفه ۳۵ سوره نسا با صراحت وارد شده آنجا که می فرماید:

«فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا»

در مورد حیطة اختیارات حکم و داور اختلاف می باشد برخی معتقدند با توجه به اختیاراتی که جهت حلّ و فصل منخاصمه یا طلاق زوجین دارند وکیل طرفین منخاصمه هستند و با وکالتی

که از طرفین به دست آورده اند اقدام به رفع مخاصمه یا انفصال عقد می نمایند. برخی دیگر این موضوع را تحکیم تفسیر کرده اند و دلیلش این است که منتخبان به قصد اصلاح انتخاب شده اند و حق جدایی بین زن و شوهر را جز با اجازه آنها ندارند همچنین استدلال می کنند به ضمیر «فَابْعَثُوا» که خطاب به حاکمان است و منتخب حاکمان «حکم» نام گرفته؛ و اگر بحث وکالت بود خطاب به زوجین می گفت: «فابعثا».

### قاضی تحکیم

قاضی تحکیم با رضایت دو نفر برای حل و فصل اختلاف انتخاب می شود به عبارت دیگر دو نفر که با هم در امر مالی یا غیرمالی دعوا اختلاف پیدا می کنند با هم به توافق می رسند که برای فیصله دادن به اختلاف یک فرد را به عنوان حکم انتخاب کند و اختلاف خود را در نظر آن شخص مطرح کنند و آنچه وی حکم می کند به آن راضی باشند و بپذیرند البته فرد منتخب شخصی غیر از قاضی منصوب از ناحیه امام است، عدالت و اجتهاد مطلق برای غیر قاضی تحکیم شرط است برای قاضی تحکیم هم شرکت می باشد (مغنیه، محمدجواد، فقه الامام جعفر الصادق، ج ۶، ص ۷۰)

در بحث شرایط قاضی تحکیم صاحب جواهر کلام می گوید تمام آنچه برای قاضی منصوب از جانب امام شرط است برای قاضی تحکیم نیست به جز اذن شرط است (مغنیه، محمدجواد، فقه الامام جعفر الصادق، ج ۶، ص ۷۰)

### چگونگی انتخاب قاضی تحکیم

حکمیت بر اساس آیه شریفه قرآن در مورد خانواده میباشد ولی با عنایت به تعریفی که از حکمیت داشتیم محدود به مشکلات خانوادگی نمی شود سوال این است که آیا حتماً حکم از اهل خانواده باید باشد یا خارج از مجموعه خانواده نیز کسی می تواند عهده دار حکمیت باشد؟ سوال دیگر این است که آیا با توجه به آیه قرآن تعداد حکم حتماً باید دو نفر باشد؟ چرا که در آیه خداوند فرموده: « فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا » (نسا ۳۵)

سوال دیگر موضوع رضایت زوجین در انتخاب حکم است یعنی آیا رضایت آنها شرط است

یا بنا بر آیه شریفه حاکمان می توانند بدون رضایت زن و شوهر برایشان حکم تعیین کنند آیا بین رضایت زوجین و عدم رضایت شان تفاوت می باشد؟

جواب سوال اول: انتخاب حکم از غیر اهل خانواده جایز است اگر در آیه شریفه اشاره به انتخاب حکم از اهل زوجین شده بدین علت می باشد که غالباً اهل خانواده در بحث حکمیت وارد می شوند و معمولاً نسبت به زوجین آشنایی بیشتری دارند و روش های اصلاح و ایجاد محبت و زمینه های اختلاف را بهتر می دانند در عین حال زوجی نیز در کنار اهل خانواده نسبت به فرد بیگانه آرامش و اطمینان بیشتری دارد به این علت برخی بیان کرده اند که در انتخاب حکم از غیر مخالفت کنند و اجازه ندهند بیگانه وارد این اختلاف شود.

در پاسخ به سوال دوم (تعداد حکم) باید گفت که تعداد حکم الزام خاصی ندارد و یک نفر میتواند عهده دار حکمیت بین زوجین شود و حتی یک نفر از دو یا چند نفر بهتر است چون در مورد یک نفر بحث اختلاف نظر حکم این مطرح نیست و انتخاب نظر افقه و اعلم معنا پیدا نمی کند. با توجه به آنکه امر حکمیت برای آشتی بین زوجین و جلوگیری از جدایی شکل گرفته به نظر می رسد تعداد ملاک نبوده و با رضایت زوجین کم و زیاد شدن حکم نباید اشکالی نداشته باشد در پاسخ به سوال سوم (رضایت زوجین در انتخاب حکم) نیز باید گفت پذیرش حکمیت برای زن و شوهر ضروری و حتمی است و حق ندارند با عناد و لجاجت در مقابل نص صریح و واضح قرآن بایستند و تن به حکمیت ندهند بلکه با تفویض اختیارات به داوران باید راهی که آنان از طریق خیرخواهی پیش پایشان می گذارند بپذیرند و بدان رضایت دهند.

### تعیین کنندگان حکم

بر اساس آیه شریفه ۳۵ سوره نسا ( فابعثوا حکما من اهله ) مخاطب آیه چه کسانی هستند؟ آیا زوجین رأساً می توانند برای رفع اختلاف حکم تعیین کنند؟ یا باید به حاکم شرع مراجعه نموده و با او هماهنگی زن و شوهر برای شانه ما حکم تعیین کند آیا حاکمان به محض اطلاع از اختلاف زوجین باید برای اصلاح بین آنها حکم تعیین کنند یا افراد جامعه احساس مسئولیت کنند و برای رفع اختلاف بین زوجین حکم تعیین نمایند؟

اکثر مفسران در مورد این آیه شریفه قائلند که خطاب به حاکمان است و حاکم شرع باید داور تعیین کند تا به رفع اختلاف زوجین همت گمارند. (یحیی بن سعید الحلّی، الجامع الشرایع، ص ۴۷۹)

### دلیل ارجاع به داوری

اختلاف خانوادگی بین زن و شوهر با مجادلات و جنایاتی که در دادگاه‌های جنایی مورد بررسی قرار می‌گیرد بسیار متفاوت است و طبیعی است که قوانین جاری و حاکم بر ما کم این دو میدان نیز متفاوت باشد. قوانین خشک و بی روح در امور جنایی در محاکم خانواده جایگاهی ندارد اگر در کانون پر مهر و محبت خانواده زن از مهریه عندالمطالبه و مزد شیردادن بچه و دستمزد امور خانه داری سخن گوید و مرد از تمکین و اطاعت همه جانبه و اجازه خروج از خانه سخن براند اگرچه این مسائل در قانون پیش‌بینی شده ولی روح محبت و عاطفه را خشک میکند و زندگی را ماشینی و کمرنگ و شکننده می‌سازد لذا اختلافات چنین محیطی باید از راه‌های عاطفی حل شود و برای درک این فضای عاطفی نزدیکان زوجین در اولویت هستند یکی از مسائلی که نه تنها در اختلافات تضمینی برای حفظ و نگهداری آن وجود ندارد بلکه افشا می‌شود اسرار است معمولاً هر کدام از طرفین در دفاع از خودش اسرار طرف مقابل را فاش می‌سازد ولی زندگی خانوادگی از چنان لطفی برخوردار است که زن و شوهر با رفتن به محاکم قضایی نباید آن را جریحه دار کند تا چه رسد به اینکه سفره‌های اسرار را در مقابل بیگانگان اعم از قضات یادآوران باز نمایند.

محکمه صلح خانوادگی جایگاهی است که در آن مسائل عاطفی رازداری احساس مسئولیت رعایت می‌شود و بدون خدشه دار شدن حیثیت و آبروی زوجین مشکلات رفع می‌گردد در حالی که در محاکم قضایی برای حل و فصل دعاوی هزینه‌های زیاد و وقت فراوان صرف می‌گردد محکمه‌های صلح خانوادگی مقرون به صرفه و خالی و خالی از تشریفات اداری است.

## نتیجه

اختلافات بین انسان از گذشته ها تاکنون وجود داشته و انسان همواره سعی داشته تا با وضع قوانین و تربیت قاضیان و داوران به رفع اختلافات خویش پردازد، از نظر اسلام خانواده نسبت به سایر بخش های جامعه از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و حل و فصل اختلافات خانوادگی از نظر شارع مقدس بسیار مهم می باشد لذا خداوند رهنمودهای خویش را برای رفع اختلاف خانوادگی در برخی آیات تبیین نموده و قرآن کریم ارشاد شاره حکیم را برای رفع اختلافات و نشوز زن و مرد وارد و بیان کرده:

۱ - در آیات قرآن خداوند خواهان استحکام و بقای خانواده است و در مواردی هم مشکل پیش آید راه رفع مشکل را راهنمایی می کند.

۲ - همه علما اتفاق نظر دارند بر اینکه در اختلاف پیش آمده در خانواده باید از طریق حکمیت یعنی انتخاب داور به رفع اختلاف همت گماشت در شیوه انتخاب و میزان اختیارات حکم اختلاف نظرانی هست که در متن به آن اشاره شد

۳ - مسئله حکمیت در خانواده جنبه ارشادی دارد اما عملاً در دادگاه های رسمی جنبه الزامی پیدا کرده و عمدتاً اختلافات خانوادگی قبل از ورود به سیستم قضایی رسمی باید از طریق غیر رسمی و مراکز مشاوره خانواده و حکمیت حکمین حل شود.

۴ - موضوع حکمیت برای اختلافات خانوادگی در قرآن مطرح شده ولی اطلاق عام دارد و می تواند در بسیاری از امور اجتماعی اقتصادی و مورد استفاده قرار گیرد چنان که در بسیاری از کشورهای دنیا اکثر امور اختلافی خویش را با تکیه بر دوری حل و فصل می نمایند.

## کتابنامه

### قرآن کریم

- البستانی، فؤاد افرام، **المجانی الحديثه**، طبعه الثانيه، المطبعه الكاثوليكيه، بيروت، بی تا، صدوق، محمد بن علی بن الحسین، **من لایحضر الفقیه**، چاپ اول، نشر صدوق، بی جا، ۱۳۶۷
- صفایی، حسین و امامی، اسدالله، **حقوق خانواده**، نشر دانشگاه تهران، بی تا
- طباطبائی، علامه محمد حسین، **المیزان**، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پانزدهم، نشر دفتر انتشارات اسلامی، قم ۱۳۸۱
- الحر العاملی، **وسائل الشیعه**، چاپ دوم، نشر موسسه آل البيت ع للاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۴
- قرطبی، محمد بن احمد الانصاری، **الجامع لاحکام القرآن** (تفسیر قرطبی)، تحقیق: عبدالرزاق المهدی، الطبعة الاولى، دارالکتب العربی، بی جا، بی تا
- مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، چاپ بیست و سوم، دارالکتب الاسلامیه، بی جا، ۱۳۷۴
- مغنیه، محمدجواد، **فقه الامام جعفر الصادق**، انتشارات قدس محمدی، بی جا، بی تا
- پاینده، ابوالقاسم (مترجم و فراهم آورنده)، **نهج الفصاحه**، چاپ دوم، چاپ مهارت، بی جا، ۱۳۶۷
- الکلبینی الرازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، **الفروع من الکافی**، دارالکتب الاسلامیه، بی جا، بی تا
- شبللی، محمدمصطفی، **احکام الاسره**، الطبعة الثانيه، دارالنهضة العربیه، بیروت ۱۳۹۷ ه.ق.